امام خمینی علیه رای ملت

امام خمینی روز چهارشنبه ششم خرداد در برابر نمایندگان مجلس ظاهر شد وموضع نهایی خود را درقبال تعارضات سیاسی جاری در کشورا علام کرد. در این سخنرانی امام آشکارا علام نمود که وی با هر حرکت سیاسی در جامعه که منجر به تضعیف موقعیت کنونی حاکمین گرددقاطعانه مخالفت خواهد کرد وبه این ترتیب در جریان مبارزه برای قدرت سیاسی در فکر ودرعمل جانب مستبدین حاکم راگرفت وبطور کامل در کنار آنان ایستاد.

با این که در گذشته نیز نطفه‌های موضع گیری اخیرامام ازلابلای دستورالعمل های متعدد وی مشهود بود، اما تاکنون هیچگاه با این صراحت اعتقادات قلبی وافکارسیاسی خود رادرمعرض قضاوت عمومی قرارنداده بود.

سخنرانی امام خمینی در شرایطی انجام شد که درجامعه سئوال "چه کسی بایدبرود تا بن بست کنونی خاتمه یابد" مطرح شده بود. سخنان وی نیز درست پاسخ به این سئوال بود وبه همین خاطر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: او در پاسخ به این سئوال که سرنوشت ملت ومیهن ما به آن بستگی یافته است باقاطعیت اعلام کرد که این نمایندگان اکثریت مردم هستند که باید بروند واین مشت اندکی مستبد قدرت مدار، جاه طلب و زراندوز هستند که باید برسر کار باقی بمانند. وعجبا که این انتخاب زیر شعار" میزان رای ملت است " صورت می‌گیرد!

این پاسخ صریح امام به مردم ونیروهای سیاسی جامعه، تغییر محسوسی در جایگاه وی در قبال مسایل جاری کشور به همراه آورد، به این معنی که اگر در سابق، حداقل در ظاهربه نظر می رسید که امام خط میانه وبینابینی رادرپیش گرفته است وتلاش می‌کند تا وراء دسته بندی های کنونی سیاسی در مقام رهبر ملی عمل کند وخود راتابع سیر تحولات نگرداند، اکنون دیگر کار به جایی رسیده که وی آگاهانه وبا اطمینان جانب یک صف راگرفته، به یک صف پیوسته و از این پس بطور مستقیم خود رادرجریان رویارویی های سیاسی قرارداده است.

روشن است آنچه که واقع شده غیر منتظره نبود. این مطابق است با قانونمندی رشد تضادها درجامعه ما، پیش ازاین هم ما مطرح کرده بودیم که شرایط جامعه ما وقطبی ترشدن هرچه بیشتر تضادها که نهایتا به تشکیل دوصف روشن ومتمایز از یکدیگرانجامیده، دیریازود همه عناصر حاضر دراین نبرد سرنوشت ساز ناگزیرهستند که به یکی ازاین دوصف بپیوندند. دراین فاصله وبر همین مبنی جهت گیری های نهایی نیروها یکی پس ازدیگری آغاز شد وبدیهی است که اکثرقریب به اتفاق جانب نیروهای استقلال طلب وآزادیخواه راکه همواره در کنارمردم ایستاده‌اند گرفتند وتنها معدودی به حق وحقیقت پشت کردند وبا انگیزه هایی هرچند متفاوت به صف مستبدین حاکم ومتحدین معلوم الحال آنان چون داردسته‌های کیانوری ونگهدار وازاین قماش داخل شدند.

امام خمینی با سخنان روز چهارشنبه خود گذشته از آن که موضع ومقام خود رادربرخورد های سیاسی کنونی اعلام کرد؛ برعملکرد مستبدین در گذشته مهر تائید گذارد وازهیچ روبا نتایج وخیم حاکمیت آنان فاصله‌ای نگرفت، به عبارت دیگر آزادی کشی های جبارانه حکومت که بازتاب آن مانند غیرقانونی اعلام کردن فعالیت اکثریت احزاب وگروه‌ها، تعطیل مطبوعات انقلابی ومترقی، حمله به صفوف تظاهرات مردم وگروه‌ها توسط نیروهای مسلح حاکمین، اشغال مراکز احزاب وسازمان ها وغارت اموال آنها، سیاهکاری های انجمن های دست نشانده "اسلامی" ودیگرنهادهای وابسته به حکومت، مبارزه برای خفه کردن اعتراضات مردم، خفه کردن اقلیت مجلس، کوشش برای برکناری رئیس جمهور منتخب مردم و ...کم‌عرف حضور ملت ومورد بحث همه محافل سیاسی است عملا مورد حمایت قرارگرفت.

علاوه براین، سخنرانی چهارشنبه امام کارت اعتبارجدیدی بود تاحاکمین ازاین پس بتوانند هرآنچه راکه برای تثبیت موقعیت خود ضروری می‌دانند به امضاء امام خمینی انجام دهند. وبه همین جهت این سخنان ازاین پس مسئولیت های جدیدی رابرای امام خمینی در قبال توطئه‌های درحال تدارک مستبدین حاکم برای یک تعرض عمومی وخونین به صفوف مخالفین و حتی شعله‌ور ساختن یک جنگ تمام عیار داخلی، به همراه می‌آورد.

سخنرانی امام خمینی از جانبی دیگر نیز قابل توجه است. وی کوشش کرد که این معنی را به توده مردم القاء نماید که گویا حکومت کنونی نیست که جامعه را به بن بست کشانده، بلکه این مخالفین مستبدین هستند که دچار بن بست شده‌اند. اما کیست که نداند نفس همین عمل که امام نقش تاریخی را که برای خود قایل بود به کناری زده، مستقیما جانب یک صف را بگیرد و با این لحن و با این روش به مخالفین بتازد، وحتی آنان را "مفسد فی الارض" اعلام کند خود نشانه بن بست و ناچاری است علیرغم این که می‌کوشد از اعتراف به وجود بن بست جامعه طفره رود.

فکر باطلی است که تصور شود چنین ابتکاراتی نشانه قاطعیت است و از موضع قدرت انجام می‌گیرد. وضع حکومت هیچگاه تا به این اندازه متزلزل نبوده است و این حملات درست به این خاطر صورت می‌گیرد تا بلکه بتوان با تهدید به سرکوب که طبیعتا ناقض تبلیغات انقلابی بودن حکومت است و قاعدتا نه بهترین بلکه بدترین و شاید آخرین اقدام ممکن است، حکومتی را سرپا نگه داشت.

وضع حاضر بطرز بارزی آخرین ماههای حکومت سابق را به خاطر می‌آورد. در گذشته نیز هر چه وضع حکومت بدتر می‌شد، تهدیدات وی به سرکوب و توسل وی به این شیوه ضد مردمی بیشتر می گشت.

اما امام خمینی و حاکمین با این تهدیدها چه کسی را می‌خواهند بترسانند و چه کسانی به حساب آنان باید جا بزنند؟

کمونیست ها و نیروهای انقلابی جامعه ؟ اما آنان که امتحان خود را قبلا داده‌اند. مگر یکی از شاخص های اصلی سیاست تروریستی رژیم شاه سرکوب و نابودی نیروهای انقلابی نبود، مگر بارها و بارها به آنان یورش نبرد، مگر هزاران تن از آنان را به سیاه چال ها نیانداخت، مگر صدها تن از آنان را به دست جوخه های اعدام نسپارد؟ و هر بار دیدیم که این نهضت استوارتر از گذشته در صحنه حاضر است و به قیمت جان بهترین عزیزان این ملت سرافرازانه جبهه مبارزه علیه رژیم را حفظ نموده و در صف مقدم آن قرار گرفته است. و بالاخره دیدیم که این رژیم شاه بود که رفت و این نیروهای انقلابی بودند که با افتخار همراه ملت سرود پیروزی سردادند.

آیا می‌خواهند در دل توده مردم رعب و وحشت بیاندازند؟ آیا ملتی که انقلاب در خون وی جاری است و اعتبارش در این است که با قدرتترین حکومت های تا به دندان مسلح نبرد می‌کند و پیروز می‌شود از این بادها خواهد لرزید. حکومتی که ضعف و زبونی از همه مظاهرش هویدا است چگونه قادر است این مردم غیور و پاک باخته را به هراس افکند. مردمی که آموخته‌اند برای پیشرفت و ترقی رای خود را باید تحمیل کنند و به کرسی بنشانند، همچنانکه در مورد شاه کردند و در مورد دیگران هم خواهند کرد.

امام خمینی باید بداند که تهدید و ارعاب دیگر قادر نیست حتی نیروهای بینا بینی را که چشم امید به تحولات صلح جویانه بسته‌اند، ساکت کند. آنان نیز دریافته‌اند که سکوتشان برابر است با فنا و اتفاقا در برابر چنین روش هایی آن دسته که واقع بین ترهستند بیشتر در می یابند که تنها پافشاری بر مبارزه علیه استبداد حاکم و وحدت با دیگران است که می‌تواند کشور را از زبن بست کنونی نجات بخشد.

از این رو روش در پیش گرفته شده روش از پیش شکست خورده‌ای است که هیچگاه در تاریخ کارآیی نداشته و بخصوص در شرایط حاضر میهن ما از کارآیی لحظه‌ای نیز برخوردار نیست. این روش ها تنها مردم را با واقعیات نامشهود آشنا تر می‌کند و عزم آنان را برای مبارزه جزم‌تر می‌کند.

حزب رنجبران ایران به همراه ملت و در کنار دیگر نیروهای استقلال طلب مدتهاست تاکید خود را بر مبارزه برای تغییرات اساسی در جامعه که تنها با برانداختن مستبدین حاکم ممکن می‌گردد گذارده و از این پس نیز برای تحقق آرمانهای انقلابی ملت و برقراری استقلال و آزادی در کشور به مبارزه خود قاطعانه ادامه خواهد داد.

مطمئنا مستبدین حاکم و همپالکی های آنها تلاش خواهند کرد با توسل به گفته‌های امام خمینی توطئه‌های جدیدی را علیه مخالفین خود به اجراء در آورند. ما از همه‌ی نیروهای انقلابی جامعه و مردم قهرمان ایران می‌خواهیم که در این موقعیت حساس در برابر هرگونه توطئه احتمالی هوشیار باشند و با آمادگی لازم و با اتحاد و یکپارچگی این توطئه‌ها را درهم شکنند.

حزب رنجبران ایران از همه آحاد ملت قهرمان و مبارز ایران، از همه عناصر و گروه‌ها و احزاب و سازمان های آزادیخواه و انقلابی دعوت می‌کند که به مبارزه خود برای استقرار آزادی و استقلال بی اعتنا به تهدیدها و ارعاب‌ها از جانب هرمقامی که باشد بیفزایند و در این راه مقدس تا به آخر ایستادگی نمایند.

حزب رنجبران ایران

۷ خرداد ۱۳۶۰